

ماموریت ژنرال آمریکایی در ایران

۱۴ دی ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۰۵

آخرین مرحله ماموریت ژنرال آمریکایی هایزر در صورت شکست بختیار و ناامیدی آمریکا از کنار آمدن با انقلابیون ایران ترتیب یک کودتای نظامی برای منافع آمریکا در ایران بود اما وقتی به فکر آن افتادند که کار از کار گذشته بود.

ژنرال هایزر به دنبال کنفرانس گوادلوپ به تهران اعزام شد و ماموریت اصلی او در ایران ترتیب خروج شاه از صحنه و جلوگیری از واکنش منفی نظامیان در برابر کنار گذاشتن شاه بود.

هایزر رئیس تصمیمات کنفرانس گوادلوپ را به فرماندهان نظامی ایران ابلاغ کرد و به آنها گفت که آمریکا با هرگونه اقدام نظامی برای جلوگیری از خروج شاه یا ساقط کردن حکومت بختیار مخالفت خواهد کرد.

هایزر پس از رام کردن ژنرال های ارتش ایران به اتفاق سولیوان به ملاقات شاه رفت و در خاطرات خود نوشته است که در این ملاقات هایزر جز تاکید در مورد تسریع خروج وی از ایران مطلبی برای گفتن نداشته است.

ماموریت ژنرال هایزر در ایران و نقش واقعی او در آخرین روزهای عمر رژیم گذشته‌هیکی از معماهای تاریخ انقلاب اسلامی ایران است که با وجود انتشار خاطرات خود او و سایر دست اندرکاران این ماجرا هنوز به درستی روشن نشده است.

*ماموریت ژنرال آمریکایی از زبان خود او

ماموریت هایزر آنطور که از نوشته های خود او و سایر مقامات رسمی آمریکا بر می آید، جلوگیری از فروپاشی ارتش ایران پس از خروج شاه و تضمین حمایت ارتش از حکومت بختیار بود.

ولی هایزر در عین حال می بایست از هرگونه اقدام نظامی برای جلوگیری از خروج شاه پیشگیری کند و بعد از خروج شاه نیز نظامیان را از دست زدن به یک اقدام حاد و ناپخته علیه حکومت بختیار باز دارد.

آخرین مرحله ماموریت هایزر در صورت شکست بختیار و ناامیدی آمریکا از کنار آمدن با انقلابیون ایران ترتیب یک کودتای نظامی

برای منافع آمریکا در ایران بود اما وقتی به فکر آن افتادند که کار از کار گذشته و ارتش دیگر از فرماندهان خود اطاعت نمی کرد.

*ژنرالی آمریکایی برای کودتا علیه انقلاب بدون اطلاع قبلی وارد ایران شد

هایزر روز ۱۴ دی ۱۳۵۷ بدون اطلاع قبلی با یک هواپیمای نظامی از بروکسل عازم تهران شد و بلافاصله مذاکرات خود را با فرماندهان نظامی آغاز کرد.

ارتشبد قره باغی که در همان موقع به ریاست ستاد مشترک نیروهای مسلح ایران منصوب شده بود در خاطرات خود از نخستین جلسات مذاکره با هایزر می نویسد ژنرال هایزر به صراحت گفت که «دیگر دولت آمریکا از اعلیحضرت پشتیبانی نمی کند! و برای برقراری آرامش در مملکت، همانطور که ملت ایران می خواهد مسافرت اعلیحضرت ضروری است! ژنرال هایزر اضافه کرد نه تنها دولت آمریکا بلکه دولتهای اروپایی غربی هم دیگر از اعلیحضرت پشتیبانی نمی نمایند.»

هرچه تاریخ حرکت شاه از ایران نزدیک تر می شد گزارش های هایزر از اضطراب و بی قراری در ارتش و تمایل بعضی از فرماندهان نظامی برای اقدام به کودتا هنگام عزیمت شاه حکایت می کرد.

قره باغی سپس به نقل اظهارات هایزر به فرماندهان نیروها پرداخته و از جمله از قول دریا سالار حبیب اللهی فرمانده وقت نیروی دریایی اشاره کرده می نویسد دریا سالار حبیب اللهی نیز اظهار کرد: «من هم با ایشان (هایزر) ملاقات داشتم... اومی گوید ملت ایران اعلیحضرت را نمی خواهند، مصلحت کشور در این است که به مسافرت بروند و تنها راه برقراری آرامش در کشور را خروج اعلیحضرت از ایران و پشتیبانی ارتش از دولت بختیار می داند!»

قره باغی اظهارات ژنرال هایزر را در ملاقات با خود و فرماندهان نیروها به شاه گزارش می دهد و در شرح ملاقات بعدی خود با هایزر چنین می نویسد: «... در مذاکره بعدی که با مستشاران داشتیم ژنرال هایزر مجدداً ضمن اشاره به لزوم مسافرت اعلیحضرت مسئله پشتیبانی دولت آمریکا از دولت بختیار و همچنین ضرورت پشتیبانی ارتش از ایشان را تکرار نمود.»

*کودتایی آمریکایی علیه انقلاب

درباره ماموریت هایزر در ایران بژرینسکی مشاور امنیت ملی کارتر توضیحات مفصلی در کتاب خاطرات دوران خدمت خود در کاخ سفید داده و صریحاً اعتراف می کند که طرح یک کودتای نظامی در ایران در صورت شکست بختیار یکی از وظایف اصلی هایزر در تهران بوده است.

درباره این طرح و نقش هایزر در تهیه مقدمات آن برژنیکسکی چنین می نویسد: «اجرای نقشه کودتا در ایران، هم به یک برنامه

ریزی دقیق و طرح لجستیکی و هم به تصمیم و اراده سیاسی از طرف فرماندهان نظامی ایران بستگی داشت. و علاوه بر آن مستلزم علامت یا اجازه ای از طرف یک مقام قابل قبول بود. ماموریت هایزر آماده نگاهداشتن ارتش ایران برای انجام چنین برنامه ای در صورت ضرورت بود و با رفتن شاه از ایران فقط واشنگتن می توانست علامت لازم را برای اجرای این نقشه در ایران بدهد.

درباره قابلیت ارتش برای دست زدن به چنین کاری نظرات متفاوتی وجود داشت. سولیوان که همیشه با فکر کودتای نظامی در ایران مخالفت می کرد در تعقیب نظریات قبلی خود می گفت ارتش ایران توانایی دست زدن به کودتا را ندارد و این نظر او از طرف وزارت خارجه تقویت می شد.

در اواخر دسامبر گری سیکل (مسئول امور ایران در شورای امنیت ملی) به من نوشته بود که نظامیان ایران در وضع متزلزلی هستند و توانایی آنها برای حکومت مورد تردید است.

منابع اطلاعاتی نظر مشخصی در این مورد نداشتند.

من شخصاً گری سیک را مامور مذاکره با بعضی از ایرانیان مطلع کردم و او نتیجه مذاکرات خود را چنین گزارش داد که ارتش ایران اگر درست رهبری شود.

هنوز توانایی انجام کاری را دارد. زاهدی هم توانایی ارتش را برای اقدام به کودتا تأیید می کرد، ولی به علت موضع خاص او به طرفداری از شاه روی حرفهایش نمی شد حساب کرد.

با عدم اطمینانی که درباره وضع ارتش ایران بوجود آمده بود ارزیابی بی طرفانه و حرفه‌ای هایزر درباره نیروهای مسلح ایران مهمترین منبع اطلاعاتی ما در این زمینه به شمار می رفت. هایزر روز چهارم ژانویه وارد تهران شد و چند روز بعد ما شروع به دریافت گزارش هایی از او کردیم.

روش معمول این بود که او با تلفن مطمئن با هارولد براون وزیر دفاع یا ژنرال جوهر رییس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا صحبت می کرد و ضمن دادن اطلاعات لازم سوالاتی در رابطه با ماموریت خود به عمل می آورد و یا به سوالاتی که قبلاً از طرف ما عنوان شده بود جواب می داد.

در چند مورد من هم به اتفاق براون در گفت‌وگوی تلفنی با او شرکت کردم. گاهی هایزر و سولیوان با هم در گفت‌وگوی تلفنی شرکت می کردند. در چند مورد هم هایزر گزارشات تلگرافی برای ما فرستاد. گزارش های تلفنی یا تلگرافی هایزر از طریق براون در اختیار من قرار می گرفت و من آنها را با رییس جمهوری در میان می گذاشتم.

اولین گزارش مهم هاینر روز نهم ژانویه یک هفته پیش از عزیمت شاه از ایران بدست ما رسید. در این گزارش هاینر نوشته بود که نگرانی عمده در ارتش ایران این است که فرماندهان ارشد هم همراه شاه یا به دنبال شاه ایران را ترک کنند و ارتش با از دست دادن کادر اصلی فرماندهی خود از هم می پاشید.»

در هر حال نقشه های هاینر بر باد رفت و نتوانست ماموریتی که داشت با موفقیت به انجام برسد و موج انقلاب خروشان شد و نظامیان یا از پادگان فرار و به صف مخالفین می پیوستند و یا در رده های بالای آنها از کشور گریخته و هاینر با مشاهده وضع موجود و ناامیدی از عدم اجرای نقشه های خود کشور را ترک کرد.

هرچه تاریخ حرکت شاه از ایران نزدیک تر می شد گزارش های هاینر از اضطراب و بی قراری در ارتش و تمایل بعضی از فرماندهان نظامی برای اقدام به کودتا هنگام عزیمت شاه حکایت می کرد.

هاینر در گزارش های خود تاکید می کرد که او در اجرای ماموریت خود فرماندهان نظامی را به حمایت از بختیار و دادن شانس و فرصت بیشتری به او برای اعمال حاکمیت تشویق می کند.

براون در روزهای ۱۲ و ۱۳ ژانویه موارد فوق را به رییس جمهور گزارش داد و در گزارش روز سیزدهم ژانویه خود اضافه کرد «من به ژنرال هاینر گفتم که ما نباید به فرماندهان نظامی ایران این طور تفهیم کنیم که دست زدن به یک اقدام نظامی از نظر ما مردود یا منتفی است و همچنین نباید تاکید کنیم که هر حکومت غیر نظامی بهتر از یک رژیم نظامی است من موکداً این موضوع را تکرار کردم که ما فقط مخالف کودتا علیه حکومت بختیار هستیم ولی اگر اوضاع رو به وخامت بگذارد و شانسی برای بقای حکومت بختیار نباشد ارتش نباید بی تفاوت بماند.»

*ژنرال امریکایی نگران ورود امام به ایران بود

با وجود گزارشات فوق و اظهار امید به وحدت نظامیان ایران در مقابل مخالفین، ولی در ارزیابی نهایی گزارش های هاینر حاکی از افزایش نگرانی و اضطراب درباره امکان بازگشت حضرت امام خمینی (ره) به ایران و نتایج آن بود.

در هر حال نقشه های هاینر بر باد رفت و نتوانست ماموریتی که داشت با موفقیت به انجام برسد و موج انقلاب خروشان شد و نظامیان یا از پادگان فرار و به صف مخالفین می پیوستند و یا در رده های بالای آنها از کشور گریخته و هاینر با مشاهده وضع موجود و ناامیدی از عدم اجرای نقشه های خود کشور را ترک کرد.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۹۱۷۱/ایران-لامریکایی-ژنرال-ماموریت>